



## جایگاه انسان در قرآن از دیدگاه شهید مطهری/ انسان بی‌ایمان انسان نیست

شهید مطهری معتقد است جایگاه انسان در قرآن بسیار رفیع است، اما این خود اوست که با معماری خویش خود را به این جایگاه بالا می‌رساند و این‌کار تنها با ایمان ممکن است.

شهید مطهری معتقد است جایگاه انسان در قرآن بسیار رفیع است، اما این خود اوست که با معماری خویش خود را به این جایگاه بالا می‌رساند و این‌کار تنها با ایمان ممکن است.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، انسان‌گرایی یکی از مبنای دوران مدرن خوانده شده است اما اندیشه دینی چه نظری می‌تواند در خصوص انسان داشته باشد، آیا انسان برای اندیشه دینی نیز جایگاه مهمی دارد؟ آیا می‌توان بدون ایمان به خداوند از انسان صرف، سخن گفت؟ شهید مطهری در این خصوص نظرات قابل ملاحظه‌ای بر مبنای قرآن عرضه کرده است. برخی از فلاسفه، انسان را مدح کرده‌اند و او را ذاتاً خوب دانسته‌اند و برخی وی را بدسرشت خوانده‌اند. در الهیات مسیحی پس از گناه نخستین همه انسان‌ها سرشتی گناهکار یافته‌اند که مسیحیت برای نجات انسان‌ها فرود آمده است. با توجه به اینکه انسان‌شناسی یکی از مبنای مهم در علوم انسانی است و انتخاب موضعی خاص در انسان‌شناسی می‌تواند بر مشی عالم علوم انسانی تاثیر فراوانی داشته باشد، بیان نظر خداوند در خصوص انسان وجه همت بسیاری از اندیشمندان اسلامی بوده است. شهید مطهری کوشش کرده تا دیدگاه اسلام در خصوص ماهیت و سرشت انسان را بیان کند. انسان خلیفه خدا

شهید مطهری، براساس آیه 30 سوره بقره انسان را خلیفه خدا در زمین می‌داند و براساس آیه 165 سوره انعام معتقد است که انسان دارای بالاترین ظرفیت علمی در میان کل مخلوقات خداوند است. طبق آیات 31-33 سوره بقره، 172 سوره اعراف و 43 سوره روم انسان دارای فطرتی خداآشناست که در عمق وجدان خود به خدای خویش آگاهی دارد و هرگونه تردید و انکار محصول انحراف از سرشت خدایی انسان است. چنین مخلوقی را از دیدگاه دینی اشرف مخلوقات خوانده‌اند. انسان و دوگانه وجودی سعادت و شقاوت

خلیفه خداوند اما شخصیتی آزاد دارد و می‌تواند راه شقاوت را برگزیند. شهید مطهری می‌گوید که براساس آیه 122 سوره طه، آفرینش انسان تصادفی نیست و انسان، موجودی انتخاب شده خوانده شده است. براساس آیه 72 سوره احزاب انسان، شخصیتی مستقل و آزاد دارد و البته رسالتی خدایی داشته و امانتی الهی را برعهده دارد. خداوند از انسان، خواسته است تا با انتخاب خود یکی از دو راه سعادت و شقاوت را اختیار کند. از سوی دیگر طبق آیه 70 سوره اسراء، انسان دارای کرامت و شرافتی ذاتی است این یعنی اینکه او توسط خدا بر دیگر مخلوقات به برتری برگزیده شده است و «آنگاه خویشتن خود را درک و احساس می‌کند.»

انسان و قابلیت الهی

معلم شهید، معتقد است که براساس آیه 70 سوره اسراء، انسان دارای وجدان اخلاقی است که می‌تواند زشت و زیبا را درک کند. آرامش روحی انسان نیز براساس آیه 28 سوره رعد، تنها با یاد خدا حاصل می‌شود. انسان «به هر چه برسد از آن سیر و دلزده می‌شود، مگر آنکه به ذات بی‌حد و نهایت (خدا) بپیوندد.» هدف از آفرینش انسان براساس آیه 19 سوره حشر، تنها عبادت خداوند است و وظیفه او نیز اطاعت از امر خداست. وظیفه انسان باعث می‌شود تا وی خود را بشناسد. اما انسان‌شناسی قرآن جنبه اخروی انسان را نیز در بر می‌گیرد. در آیه 22 سوره ق می‌بینیم که بخشی از حقایق مورد غفلت انسان پس از مرگ بر او آشکار می‌شود. در آیه 27 و 28 سوره فجر شاهد هستیم که هدف انسان را خشنودی خدا مطرح می‌کند و غایت انسان تنها مسائل مادی نیست. انسان «احیانا برای هدف‌ها و آرمان‌هایی بسی عالی می‌جنبد و می‌جوشد.» نگاهی به ارزش‌های انسان در نظر شهید مطهری مشخص می‌کند که انسان دارای قابلیت الهی است. قابلیت که باید توسط خودش بالفعل شود و این کار با ایمان انسان میسر خواهد شد.

معمای سرشت دوقطبی انسان

مطهری در ادامه به جنبه ضد ارزشی که انسان می‌تواند با اراده خود واجد آن شود، اشاره می‌کند. آیات در این بخش به جنبه منفی انسان اشاره می‌کنند. در آیات 72 سوره توبه و 72 سوره احزاب انسان بسیار ستمگر، نادان و ناسپاس خوانده شده است. مطهری می‌کوشد توصیف قرآن در خصوص دو قطب مثبت و منفی انسان را توجیه کند. انسان سرشتی متناقض دارد، «وی موجودی دو سرشتی است، نیمی از سرشتش ستودنی است و نیم دیگر نکوهیدنی» است.

انسان بی‌ایمان، انسان نیست

راه حلی که مطهری برای این مساله از طریق قرآن یافته است، معماری انسان توسط اراده خود اوست، وی می‌گوید: «نظر قرآن به این است که انسان همه کمالات را بالقوه دارد و باید آنها را به فعلیت برساند و این خود اوست که باید سازنده و معمار خویشتن باشد. شرط اصلی وصول انسان به کمالاتی که بالقوه دارد، «ایمان» است.»

شهید مطهری معتقد است که انسان در جهان‌بینی اسلامی داستانی شگرف دارد، او موجودی است که می‌تواند در بازه «اسفل

السافلين» و «به خدمت گرفتن فرشتگان» باشد. اراده انسان از این رو جایگاهی مهم دارد. اراده انسان تعیین کننده قرار گرفتن انسان در بازه‌ای چنین گسترده است. هرچند در منطق قرآن انسان معمار خویش است، اما این معماری نه با نقشه‌ای انسانی که با نقشه‌ای الهی صورت می‌گیرد. معماری حیات انسان بدون ایمان سبب می‌شود که وی عاری از ارزش‌هایی باشد که او را خلیفه‌الله کرده است. «از آیات استنباط می‌شود که انسان فاقد ایمان و جدا از خدا انسان واقعی نیست. انسان اگر به یگانه حقیقتی که با ایمان به او و یاد او آرام می‌گیرد بپیوندد، دارنده همه کمالات است و اگر از آن حقیقت یعنی خدا جدا بماند درختی را ماند که از ریشه خویشتن جدا شده است».